

کتابخانه آموزشی در مدرسه کتابخانه - مدار

● افسانه رحیمی زرینی
معلم - کتابدار

متأثر از تغییرات و تحولاتی است که در جامعه پدید می‌آید. به این ترتیب، کتابخانه آموزشی انعکاس مستقیمی از برنامه‌های آموزشی و بازتاب غیرمستقیمی از تحولات اجتماعی است. بنابراین، نگرش به کتابخانه آموزشی، تلقی کتابداران از این‌گونه کتابخانه‌ها، رویکرد معلمان و مدیران مدارس نسبت به کتابخانه مدرسه و حتی نیازها و انتظارات دانش‌آموزان به عنوان کاربران نهایی خدمات این نوع کتابخانه‌ها از دگرگونی‌های فنی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اثر می‌پذیرد.

نیاز به بازنگری کتابخانه‌های آموزشی ایران برخاسته از این حقیقت است که جامعه ما در یکی دو دهه اخیر دستخوش تحولات اساسی شده است. آراء و نظراتی متفاوت با گذشته به آموزش و پرورش راه یافته، رسانه‌هایی در حال گسترش نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر قرار داده، مفاهیمی چون جامعه اطلاعاتی، جامعه دانش‌محور، آموزش پژوهش - مدار و موارد دیگری از این نوع، رویکردهای پیشین را به چالش طلبیده است. نسل جوان نیز به آگاهی‌هایی دست یافته که دامنه انتظارات او را گسترش بخشیده است. نوجوانان امروز، تفاوت میان جامعه مدنی و غیرمدنی را به خوبی می‌دانند و معنی و مصداق مردم‌سالاری برای آنان بیگانه نیست. افزایش و گسترش آگاهی‌ها سبب شده است که وظایف نهادهای اجتماعی را به خوبی بشناسند و قادر باشند عملکرد آنها را براساس شاخص و وظایف آنها ارزیابی کنند. به همین اعتبار، مدرسه به عنوان نهادی اجتماعی و کتابخانه مدرسه به مثابه نظامی فرعی از این نهاد، دیگر دانش‌آموز را به راحتی مجاب نمی‌کند. دانش‌آموز دیگر قادر نخواهد بود که از نظام یکسویه سنتی آموزش بهره جوید و به تبع آن، کتابخانه مدرسه نیز در حد اتاقی کوچک با فضایی دارای یکی دو قفسه، که بیشتر اوقات نیز بسته است و در بهترین حالت به چیزی جز برای گذران اوقات فراغت - که عملاً موجود نیست - نمی‌ارزد، او را راضی نمی‌کند.



● دکتر نرگس نشاط دکتر عباس حوری، کتابخانه
آموزشگاهی در مدرسه کتابخانه - مدار،
تهران: شبکه کتاب، ۱۳۸۳.

این کتاب به سفارش کارشناسی پژوهش کتاب و فعالیت‌های ادبی دفتر برنامه‌ریزی امور فرهنگی و مشاوره معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی وزارت آموزش و پرورش توسط دو نفر از اساتید و متخصصان حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی تألیف شده است. مؤلفان در پیشگفتار کتاب نوشته‌اند:

کتابخانه آموزشی در کلیه مقاطع - اعم از ابتدایی، راهنمایی و متوسطه - عنصری اساسی در فرایند آموزشی است؛ فرایندی که خود اهدافش را از نهادهای آموزشی متعلق به آن اخذ می‌کند. از سوی دیگر، هرگونه تغییر در برنامه‌های آموزشی خود



هر نوجوان سنگی از پی فردا و رکنی از ارکان ساختار جامعه آینده است دانش آموز باید بداند که اغلب بزرگان این مرز و بوم، در کنار دانش اندوزی، شغلی نیز برای امرار معاش داشته اند

هر نوجوان سنگی از پی فردا و رکنی از ارکان ساختار جامعه آینده است. هرچه در استحکام این ارکان سرمایه گذاری و صرف نیرو شود به هدر نخواهد رفت.

کتاب حاضر بر این اعتقاد استوار است که جامعه مدنی و جامعه اطلاعاتی، جامعه دانش محور، یا هر نامی که مناسب می دانیم از پایین هرم جامعه باید آجر به آجر و سنگ به سنگ بالا رود. هیچ عاقلی ساختن خانه خود را از سقف آغاز نمی کند. در «خانه سازی» این امر را بدیهی می شماریم، اما در «جامعه سازی»، به گونه ای عمل می کنیم که گویی ضرورت و اجتناب ناپذیر بودن ساخت و ساز از قاعده هرم را چندان باور نداریم.

تغییراتی که در جامعه ما طی دهه های اخیر رخ داده آثاری را بر کلیت جامعه و نیز بر یکایک افراد برجای گذاشته است. دغدغه های اشتغال و چشم انداز آینده نوعی احساس عدم امنیت اجتماعی و تنش های ناشی از تصویر چشم اندازی نه چندان روشن پدید آورده است. این همه ریشه در نظام آموزشی، خلق انگاره هایی نه چندان واقع گرایانه و ترسیم نادرست مسیر دستیابی به شغل دارد. نظام آموزشی وظیفه اش تنها انتقال دانش و اطلاعات نیست، بلکه آشنا ساختن دانش آموزان با واقعیت های اجتماعی نیز هست. دانش آموز باید بداند که هرم آموزشی الزاماً هرم آموزشی به شغل می انجامد می توان در هر سطح و لایه آموزشی نیز به شغل دست یافت. دانش آموز نباید چنین پندارد که همه آحاد جامعه باید بکوشند و او تنها مصرف کننده باشد. دانش آموز باید از مسیر علم آموزی پیشینیان آگاه گردد و بداند که اغلب بزرگان این مرز و بوم، در کنار دانش اندوزی، شغلی نیز برای امرار معاش داشته اند.

دانش آموزی و معرفت اندوزی برای کسب معاش نبوده است. این بدان معنا نیست که از این پس دانش آموزان نیمی از روز را تحصیل کند و در نیمی دیگر به کسب و کار بپردازند (که البته تعداد این گونه دانش آموزان، امروز نیز اندک نیست)، بلکه تفهیم این

بخش عمده ای از کتابخانه های مدارس ما، در وضعیت فعلی قادر به انجام وظایف واقعی خود نیستند؛ زیرا امکانات لازم را در اختیار ندارند، از برنامه های درسی عقب مانده اند، با نیازهای فردی دانش آموزان سازگار نیستند و نظام آموزشی نیز کتابخانه را چندان جدی نمی گیرد. بنابراین، جا دارد که دگرگونی های اجتماعی در مدرسه و کتابخانه مدرسه تجلی یابد، توسعه علمی و آموزشی مورد نظر برنامه های توسعه ای به این گونه کتابخانه ها راه یابد و به بیان واقعی تر، این گونه نهادها شرایط تحقق برآوردهای برنامه های میان مدت و بلندمدت توسعه ای را فراهم سازند.

کشوری که از نظر نیروی انسانی جزو جوان ترین کشورها است، زمانی می تواند به این ویژگی ببالد که بتواند از نیروی جوان خود به عنوان مولدان آینده بهره مند شود. افزودن خیلی عظیم بر انبوه مصرف کننده موجود نه غرور آفرین است و نه نوعی برتری محسوب می شود. نیروی مولد یعنی نیرویی که در عرصه های مختلف علمی، اقتصادی، فنی و فرهنگی نقشی سازنده و خلاق داشته باشد و این همه جز با آموزش درست و ژرف و کسب مهارت در عرصه های مورد علاقه جوانان حاصل نمی شود. نخستین گام در این حرکت آن است که هر کس هر چه را می آموزد، به طور صحیح، عمیق و توأم با آگاهی بیاموزد.

شرایط ایجاد و رشد خلاقیت عمدتاً در سنین نوجوانی و جوانی فراهم می شود و نظام آموزشی بیشترین سهم را در این امر دارد. نظام آموزشی پیش از دانشگاه، مسئول پی ریزی و پایه گذاری و استوار سازی سنگ بنایی است که ساختار جامعه بعدها بر آن متکی می گردد. بنای فردا، هر چه هم زیبا و شایسته بالیدن باشد، بدون زیربنای محکم و قابل اتکا، با لرزشی فرو خواهد ریخت، چون جز «خانه ای بر آب» نخواهد بود. استحکام بنای فردا در گرو پی ریزی استوار امروز است.

متن حاضر با چنین باوری تدوین شده است؛ باور به این نکته که

نکته است که در هدف و عملکرد و دورنمای هرم آموزشی بازنگری شود و این بازنگری به عنوان بخشی از تعلیمات اجتماعی مدرسه مدنظر قرار گیرد.

این گونه بازنگری به هرم آموزشی، طبعاً آموزش را از عرصه تنگ و بسته درسنامه‌ها به فضای باز و گسترده وسیع دانش و مهارت خواهد کشاند و در چنین فضایی است که کتابخانه آموزشی جایگاه واقعی خود را در مدرسه و در نظام آموزشی خواهد یافت.

درباره کتابخانه‌های آموزشی، در قیاس با سایر انواع کتابخانه‌ها، تعداد نسبتاً قابل توجهی مقاله و کتاب (اعم از تألیف و ترجمه) و پایان نامه تولید شده است که همگی حاکی از آگاهی متخصصان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی نسبت به اهمیت کتابخانه‌های آموزشی است. اما علی‌رغم توجه این رشته به اهمیت و ضرورت وجود کتابخانه در مدرسه، نظام آموزشی عنایت چندانی به عملکرد این گونه کتابخانه‌ها ندارد و برخی نهادهای آموزش پیش از دانشگاه اساساً به پدیده‌ای به نام کتابخانه مدرسه نمی‌اندیشند. با وجود آثار مفیدی که از سال‌ها قبل، شاید از سال ۱۳۴۹ به این سو، درباره کتابخانه مدرسه یا در زمینه برخی فعالیت‌ها و وجوه آن تولید شده، که همگی ارزشمند و شایان تقدیر است، مؤلفان کتاب حاضر بی‌مناسبت ندیدند که با رویکردی نسبتاً متفاوت که از سه انگیزه عمده نشأت گرفته است به کتابخانه بنگرند.

نخست آنکه در سال‌های اخیر افرادی در مراتب بالای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش به این مهم دست یافته‌اند که می‌بایست نظام تدریس و شیوه ارتباط معلم و دانش‌آموز را مورد بازنگری قرار داد و آموزش رسمی باید از درسنامه‌های بسته و محدود فراتر رود و دانش‌اندوزی را جایگزین «درسنامه‌خوانی» کند. پدید آمدن نگرشی با عنوان «آموزش پژوهش‌مدار» که با دوره راهنمایی آغاز شده است خود شاهد پیدایش نگرشی نوین در آموزش و پرورش است.

دوم بیداری کشورهای در حال توسعه نسبت به تربیت نیروی انسانی، به ویژه تربیت کودکان و نوجوانان به عنوان سرمایه‌های انسانی سال‌های آتی، به کشوری جوان چون ایران زنگار می‌دهد که برای تضمین و تأمین نیروی انسانی کارآمد در آینده باید کودکان و نوجوانان امروز را در برابر، برای تربیت آنها سرمایه‌گذاری کنیم و در این بخش از سرمایه‌گذاری نیز حسّات نشان ندهیم. هرگاه به ضرورت این سرمایه‌گذاری اعتقاد داشته باشیم، باید بپذیریم که تنها مسیر دانش‌افزایی و گسترش بینش این گروه سنی کتابخانه آموزشی است، آن‌هم نه به عنوان زائده‌ای جدا و مجزا از نظام آموزشی، بلکه به عنوان مرکز و محور آموزش رسمی در کلیه مقاطع تحصیلی.

سوم آنکه اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی که در ژنو (دسامبر ۲۰۰۳) برگزار شد نشست‌ها، مدارک و تدابیری را عرضه کرد که بخش

عمده آنها متوجه نوجوانان و جوانان بود. در این میان، فعالیت کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه چشم‌اندازی را ترسیم می‌کرد که حکایت از تحولی پایدار در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و حرکت به سوی جامعه دانش‌محور داشت.

مجموع این عوامل برای جدی گرفتن کتابخانه آموزشی در نظام آموزشی کافی به نظر می‌رسد. توجه به این مهم از هر زمان که آغاز شود گامی جلوتر خواهیم بود. آنچه از دست رفته است قابل جبران نیست، اما می‌شود از این پس از بی‌توجهی‌ها و ناچیز شمردن جریان‌های تعیین‌کننده کاست.

کتاب حاضر، گرچه کتابخانه را به طور کلی در نظام پیش از دانشگاه مدنظر داشته است، لیکن اشارات و مصادیق بیشتر متوجه دوره راهنمایی است که آغاز خود آگاهی دانش‌آموز و زمینه‌ساز آموزش مقطع بعدی و مراتب بالاتر تحصیلی و شغلی است. امید است متن حاضر و متون مرتبط دیگر بتوانند در بازنگری مفهوم آموزش و باور قلبی به آموزش پژوهش - مدار و کتابخانه - محور سهمی مؤثر داشته باشد.

محتوای بسیار منسجم و منظم کتاب پس از مقدمه‌ای که به توجیه و معرفی مدرسه کتابخانه - مدار می‌پردازد و در آن به دو نوع نظام ارتباطی که ممکن است در محیط مدرسه جریان یابد و با عنوان: ۱. نظام ارتباطی واگرا و ۲. نظام ارتباطی هم‌گرا ویژگی‌های آنها یاد می‌نماید و پس از شرح ویژگی‌هایی در نظام به معرفی سه عنصر کلیدی که میان کتابخانه، مدرسه و برنامه درسی نقش مهمی دارند و عبارتند از: معلم، مدیریت مدرسه و کتابدار کتابخانه به تحلیل نقش آنها اشاره دارد.

تاریخچه کتابخانه‌های آموزشی در ایران و جهان، وضع موجود، هدف و اهمیت آن و هم‌چنین اشاره به ضرورت‌های جامعه اطلاعاتی و الگوهای سواد اطلاعاتی باب ورود به بحث‌های علمی کار در کتابخانه‌های آموزشی است.

ترجمه بیانیه مشترک ایفلا و یونسکو درباره کتابخانه‌های آموزشی و استانداردهای این نوع کتابخانه نیز بنا به ضرورت در کتاب آمده است.

مؤلفان در پایان با عنوان حاصل سخن به ارائه ۱۴ جنبه مؤثر در اداره کتابخانه‌های آموزشی کشور پرداخته‌اند.

در پایان با ارائه مآخذ فارسی و انگلیسی، فهرست مراکز علمی و آموزشی برای همکاری در طرح‌ها و [هم‌چنین بازدیدهای دانش‌آموزی] با نشانی هر کدام، فهرست سیاه سایت‌های موضوعی مفید، طرح‌هایی از تجهیزات و معماری کتابخانه‌های آموزشی و نمایه به جنبه‌های کاربردی اثر افزوده‌اند.

امید است مسئولان آموزش و پرورش کشور عنایت بیشتری به بابی که در این زمینه گشوده شده است داشته باشند.